

نویسنده: جوشاوا سپربر «Joshua Sperber».
منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «2025-04-02».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

فروپاشی لیبرالیسم

The Collapse of Liberalism



منبع عکس: عکس وزارت دفاع توسط گروهان کارکنان نیروی هوایی ایالات متحده. ماریانیک ساتنوس - دامنه عمومی

من 20 سال پیش در دوره رشید خالدی، تاریخ خاورمیانه مدرن شرکت کردم و هنوز به آن فکر می‌کنم. خالدی در میان دریای دانش پژوهان شیک و برتر کلمبیا، بسیار درخشان بود و هر سخنرانی فوق‌العاده شفاف و قانع‌کننده بود. اما فراتر از استعداد او به عنوان یک سخنران، آنچه قابل توجه بود این بود که خالدی چقدر سنجیده و هوشیار و حتی گاهی به ظاهر محتاط بود. او و سایر اعضای دپارتمان MEALAC کلمبیا به سادگی هیچ شباهتی به کاریکاتور راست از آنها نداشتند. از آنجایی که آموزه‌های آنها به عنوان "جنجال برانگیز" طبقه بندی می‌شد، به دلیل هیچ ایدئولوژی یا خلق و خوی نبود، چه رسد به اتهام

افترا آمیز بد نیت یهودی ستیزی، بلکه فقط به این دلیل بود که آنها به طور دقیق یک واقعیت تاریخی شکل گرفته از جنایات توده ای و مداوم انجام شده توسط قدرت ها را شرح می دادند.

پس از آن، محکومیت اخیر **خالدی** از تسلیم کلمبیا در برابر حمله دولت ترامپ به دانشجویان، کارمندان، و به طور کلی آزادی علمی و آزادی بیان، شدیدتر می شود. **خالدی** می نویسد، کلمبیا ویشی در هادسون است، یک همکار که به طور مرگباری به خطر افتاده و تنها به نام یک دانشگاه است. در حالی که آشکارا این دولت ترامپ است که در خط مقدم این قهقرایی اقتدارگرایانه سرسام آور قرار دارد، یادآوری این نکته مفید است که حملات تاریخی به وزارتخانه و منتقدان اسرائیل به طور کلی همیشه یک امر دو حزبی بوده است. و این تقصیر متقابل این دو حزب گرایی است که به مقاومت خشن اما آسان در برابر ترامپ 1.0 دروغ می گوید، مانع از آن می شود که نهادهای لیبرال به طور مؤثر دولت ترامپ را امروز به چالش بکشند.

ماهیت ضربات مشت های دموکرات ها در حال حاضر به دلیل سوء استفاده دولت ترامپ از ارتباطات طبقه بندی شده قبل از حمله به یمن آشکار است. مطمئناً دموکرات ها و رسانه های آنها نمی توانند ترامپ را در مورد اصل ماجرا به چالش بکشند: بمباران یک کشور خارجی و کشتار بی گناهان. به هر حال، این دموکرات ها در دوران **باراک اوباما** بودند که جنگ یمن را هم مستقیماً و هم از طریق سگ مهاجم سعودی آن تسهیل کردند. به همین ترتیب، دموکرات ها نمی توانند به طور قانع کننده شکایت کنند که حمله از طریق «کانال های مناسب» انجام نشده است یا تأیید کننده را به دست نیاورده است، زیرا این اوباما بود که با دفاع از خودداری از درخواست تأیید کننده برای جنگش در لیبی، به تمسخر از قطعنامه اختیارات جنگی پرداخت و مدعی شد که این در واقع یک «جنگ بی معنی، حتی مرگبارتر از یک مبارزه غیرقانونی» نبوده است. اظهارات بد نام **کلینتون** مبنی بر اینکه «این بستگی به معنای کلمه «است» دارد. و البته بایدن، علی رغم وعده های ورشکسته اش، به ادامه حمله در یمن کمک کرد. بر این اساس، دموکرات ها نمی توانند کاری انجام دهند جز اینکه از فرصت استفاده کنند و **ترامپ** را در حالت تدافعی قرار دهند، با این اتهام که او یک دارنده غیر قابل اعتماد امپراتوری است، یعنی «گزارش دهی برای وظیفه» قدیمی، وطن پرست تر از شما، نوشته جان کری، به همان اندازه که به طرز مضحکی مقدس و هم بی اثر است.

اعلامیه های وحشت و خشم لیبرال ها کاملاً غیر صادقانه نیستند - چگونه می توانند عجیب و غریب و غرور سورئال طوفان حماقت تنبل دولت ترامپ را در نظر بگیرند؟ با این وجود، در نرده های آن ها نکته ای غیر قابل انکار وجود دارد که بیش از حد اعتراض می کنی، شوهری را به ذهن متبادر می کند که سر همسرش فریاد می زند، زیرا او برنج را کنار گذاشته، خشم واقعی او را به خاطر این واقعیت که همسرش با همکارش می خوابد، جایگزین می کند، که او نمی تواند بیان کند زیرا او مشغول خوابیدن با دوستش است.

دموکرات‌ها و همچنین کلمبیا و به طور گسترده‌تر همه نهادهای لیبرال در آن شرکت دارند و ناگفته نماند که برای نجات ما نمی‌آیند. ما تنها هستیم که با یک جنبش استبدادی مصمم روبرو هستیم که علیرغم ضعف‌های خود، تا جایی که می‌تواند در از بین بردن امنیت، آزادی و کرامت انسانی پیش خواهد رفت

این به سختی فراخوانی برای پایین نگه داشتن سرمان است. برعکس، انجام این کار خودکشی سیاسی و روانی خواهد بود، نکته‌ای که در مقاله 1960 برونو بتلهایم در مجله هارپر، «درس نادیده گرفته شده آن فرانک» به خوبی بیان شده است. این مقاله بحث برانگیز بود، زیرا فرانک به نمادی از فضیلت دوران جنگ تبدیل شده بود، و انتقاد از انتخاب‌های خانواده او اگر نگوییم توهین آمیز، ظالمانه به نظر می‌رسید. اما، بتلهایم با هدف گرفتن «تحسین جهانی از روش مقابله، یا بهتر است بگوییم عدم مقابله»، کنایه بزرگی را شناسایی کرد: کسانی مانند خانواده فرانک که فکر می‌کردند کار امنی را انجام می‌دهند و مخفی می‌شوند تا منتظر کابوس بمانند، در واقع احتمال بیشتری وجود داشت که دستگیر شوند. پیامدهای خاص بتلهایم پیامدهای روانی انتخاب‌های با ماندگان در زمان جنگ بود. بتلهایم با تشریح تجربیات دیگران که به دلیل شرایط دلخراش جنگ فلج شده اند، می‌نویسد:

همانطور که ناامیدی آنها افزایش یافت، آنها با اراده بیشتری به ترتیبات زندگی قدیمی خود و به یکدیگر چسبیدند و کمتر قادر به چشم‌پوشی از دارایی‌هایی بودند که در طول زندگی با کار سخت جمع کرده بودند. هرچه آزادی عمل آنها به شدت کاهش می‌یابد، و آنچه که هنوز به آنها اجازه داده می‌شد که توسط مقررات غیر معقول و تحقیرآمیز تحمیل شده توسط نازی‌ها محدود می‌شد، بیشتر از فکر کردن به اقدام مستقل نا توان می‌شدند. انرژی‌های زندگی‌شان به دلیل اضطراب روزافزون‌شان از بین رفت. هرچه کمتر در خود نیرو می‌یافتند، بیشتر به چیزهای اندک باقی مانده از آنچه در گذشته به آنها امنیت می‌داد - محیط قدیمی‌شان، شیوه زندگی مرسومشان، دارایی‌هایشان - چسبیدند و به نظر می‌رسید که همه اینها به زندگی آنها ماندگاری می‌بخشد، نمادهایی از امنیت ارائه می‌دهد. تنها چیزی که زمانی نماد امنیت بود، اکنون زندگی را به خطر می‌اندازد، زیرا بهانه‌ای برای اجتناب از تغییر بود. در هر ملاقات پی در پی، مرد جوان اقوام خود را ناتوان‌تر، کمتر میل یا قادر به پذیرش توصیه‌های او می‌دید، بیشتر درگیر فعالیت می‌شد، و همراه با آن، در طول مسیر به سمت کوره‌های آدم‌سوزی می‌رفت، جایی که در واقع همه آنها مردند.

یعنی درسی که جهان از داستان فرانک گرفت، «تجلیل از توانایی عقب نشینی به دنیایی بسیار خصوصی، ملایم و حساس»، هم خودخواهانه و هم اشتباه بود، هم آغوشی از انکار و هم امتناع از رویارویی با نظامی بود که در یک کلاه ظاهری می‌تواند به طور ویرانگری ظالم شود. برعکس، آنهایی که تصمیم گرفتند اصولی بجنگند و گردن خود را بیرون انداختند، یا فداکاری‌های فرار را تحمل کردند، انتخاب‌هایی که در آن زمان بسیار

مخاطره آمیز به نظر می رسید، در واقع نه تنها یکپارچگی روانی خود را حفظ می کردند، بلکه زنده می ماندند.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

جاشوا اسپربر علوم سیاسی و تاریخ تدریس می کند. او نویسنده کتاب مدیریت مصرف کننده در عصر اینترنت است. میتوان با او در spjsperber4@gmail.com تماس گرفت

----- **با تقدیم احترامات «2025-04-03»**

